

منکرین معاد جسمانی چه میگویند؟

بحث امکان زنده شدن مردگان با ذکر دلیلهای روشن و در عین حال محکم پایان یافت . اکنون با بحث تازه ای روبرو هستیم ، و میخوایم با توفیق خداوند ایرادهای کسانی را که در این موضوع با ما موافق نیستند بررسی کنیم و بآنها پاسخ دهیم .

همانطور که از بحثهای گذشته بدست آمد ، «معاد جسمانی» عبارت از عود روح ببدن در جهان دیگر میباشد ، ایرادهائی که از طرف منکرین شده و یامیشود ، مقدار زیادی از آنها مربوط بیکي از دو جنبه همان روح و بدن است ، و احیاناً هم ارتباطی باین دو جهت نداشته و از جای دیگری سرچشمه میگردد ، اینک قسمتی از شبهات آنها را یاد میکنیم و بآنها پاسخ میدهیم .

ایراد اول : روح وجود خارجی ندارد !

یکی از ایرادهای مهم آقایان منکرین ، همین موضوع روح است ، اینها میگویند انسان بفرآزمین بدن که متشکل از سلولهای گوناگونی میباشد ، نیست ! و حقیقت دیگری ماوراء پوست و رگ و استخوان و عصب و ... ندارد ! وقتی اینطور است پس عود روح ببدن مفهومی ندارد !

پاسخ : اولاً مسئله روح گرچه مانند چیزهای غیر محسوس دیگر چند صباحی مورد طعن و تمسخر مادیها قرار گرفت ، و همه ادراکات را از ماده مغزی بحساب آوردند ! و گفتند همانطور که کبد صفرا ترشح میکند ، و غده های داخل دهان بزاق را ترشح مینماید مغز نیز بنوبه خود این اثر را دارد که چیز میفهمد و درک میکند ولی دوباره در اثر مطالعات و تجربیات و تحقیقات عده بسیاری از دانشمندان اعتقاد بر روح ، رواج زیادی پیدا کرده ، تا آنجا که بعضی از آنها که خیلی پابند باین حرفها نیستند ، در سخنرانی که اخیراً بهمین مناسبت ایراد نموده بودند ناچار اعتراف کردند که در برابر معلومات فعلی بشر باید گفت : **وما او تیتیم من العلم الا قليلا ! !**

فعلا در نیای امروز از چند راه برای اثبات روح استدلال میشود ، که ما بطور اختصار بقسمتی از آنها اشاره میکنیم :

۱ - هیپنوتیسم یا تنویم مغناطیسی

تنویم مغناطیسی عبارت از این است که کسی را بطور مصنوعی خواب میکنند و در آنحال از چیزهایی که قبلاً هیچگونه اطلاعی از آنها نداشته خبر میدهد ، و کارهای حیرت انگیزی که بهیچ نحو ارتباط با جسم ندارد انجام میدهد !

این موضوع سابقه بسیار کهنی دارد ، کلدانیها ، هندیها ، رومانیها ، مصریها ، در این فن وارد بودند ، ولی تقریباً جنبه انحصاری داشت ، و غیر از رجال دین کسان دیگر توانائی انجام آنرا نداشتند .

تا اینکه در سال ۱۷۷۵ میلادی یک نفر دکتر آلمانی بنام «**هسمر**» برای نخستین بار در اروپا اینراه را باز کرد و طبعاً از طرف مادیها مورد طعن فراوان قرار گرفت ، اما او در برابر همه گونه حملات آنها ایستادگی کرد تا کم کم دانشمندان بزرگی امثال **شاردل** ، **شائیه** ، **ده بونیه** که مقام علمی آنها مورد اعتراف عموم بود با او همصدا شدند ، و قهراً حس کنجکاوی بسیاری از مادیهای دیگر هم تحریک شد و بدنبال آنها مشغول آزمایش شدند ، و بالاخره آنها هم بر **تنویم مغناطیسی** صحه گذاشتند و تصدیق نمودند (۱) .

اهمیت کامل این عمل وقتی آشکار شد که پزشک نامی انگلستان **ژس برید** در سال ۱۸۴۰ شروع بکاوش و اندیشه های فراوان در اطراف آن نمود ، و از آن پس یکی از بحثهای مهم علم طب گردید ! قسمتی از دردهای دشوار بوسیله این داری روحی درمان شد ! (۲)

شارکو یکی از بزرگترین پزشکان جهان میگوید بوسیله خواب مغناطیسی کارهای فوق العاده ای انجام میشود ، که بدون هیچگونه تردید وجود روح احساساً اثبات میکند ! چون آنگونه کارها بهیچوجه با قوانین فیزیولوژی و تشریح جور در نمیآید (۳) .

بیو استاد فن پزشکی میگوید : خواب مغناطیسی وجود روح را ثابت میکند ! (۴)

ژول بوا نویسنده نامی فرانسه در روزنامه «**تان**» مورخه ۲۱ ژوئن ۱۹۰۴ مینویسد :

دردهای گوناگونی که با خواب مغناطیسی بهبود یافته است بپایه شگفت انگیزی رسیده است تا آنجا که میگوید : اعضا انجمنهای روحی در لندن و نیویورک ، فرانسه ، آلمان ، ایتالیا ، روسیه همه از دانشمندان طبیعی و شیمی و پزشکان نامی هستند که در برابر خنده های دشمنان مانند کوه استوارند (۵)

(۱ و ۲ و ۳) دائرة المعارف قرن بیستم ماده نوم

(۴) دائرة المعارف قرن بیستم ماده روح

(۵) دائرة المعارف ماده نوم

قسمتی از شگفتیهای حیرت انگیز در خواب مغناطیسی

۱ - بازگشت نیروی حافظه

طبق آزمایش دانشمند بزرگ شارکو فرانسوی مطالبی که انسان از خاطره اش محو شده و فراموش کرده است در حال خواب مغناطیسی یاد میآورد و آنها را شرح میدهد . شارکو، زنی را که نیروی حافظه را از دست داده بود خواب کرد ، و مطالبی که فراموش کرده بود از او پرسید زن فراموشکار هم مثل کسی که اصلاً حافظه را از دست نداده بتمام پرسشها جواب صحیح داد ! (۱)

کولونیل دورشا رئیس دانشکده مهندسی پاریس گاهی کسانی را که خواب می کرد بدوران کودکی بر میگرددانید ، و خاطرات فراموش شده آن ایام را از آنها میپرسید و پاسخ میگرفت ! (۲) .

۲ - دیدن چیزهای پنهانی

مسئول ثوونی فرانسوی میگوید بزرگترین کیفیتی که در این موضوع موجود و قابل توجه است دیدن واقعهها از مسافت بسیار بعید بدون کمک چشم است ، سوژههایی (۳) که در حال خواب مصنوعی میباشند بدون آنکه کسی راهنمای آنها باشد حتی در شب تاریک قادرند بهمه جا رفته ! و با چشم بسته بخوانند و بنویسند ! سوژههای دیگر یافت میشوند که از خارج داخل شکم انسان را دیده و میتوانند يك يك امراض درونی را شمرده و حتی بگویند علل آن امراض چه بوده است ! و علاوه همینها در خواندن بعضی از افکار نیز قادرند ! (۴)

ژیبیه پزشک بیمارستانهای پاریس کتابی را بدست گرفت و بکسی که خواب کرده بود گفت سطر اول صفحه طرف چپ را بخوان ، او هم حدود يك سطر را خواند و گفت بس است. (۵)

۳ - همه جا میروند !

کسانی که تحت تاثیر نیروی مغناطیسی منوم (خواب کننده) قرار میگیرند ، مطیع فرمان او میشوند ، و بهر جا دستور داد میروند ، و کارهایی انجام میدهند ، در حالی که بدن آنها در جای معینی آرمیده و خواب است !

(۱ و ۲) دائرة المعارف مادة نوم

(۳) کسیکه روی او آزمایش تنویم میشود سوژه نامند .

(۴) پس از مرگ ص ۲۲۳

(۵) علی اطلال المذهب المادی جزء ۴ ص ۸۴

اگزا کوئی روسی میگوید همسر استاد «دومرگان» بارها زنی را خواب میکرد ، او را بهجایهای مختلفی میفرستاد ، تایک بار با او گفت : برو منزلی که سابقاً آنجا می نشستم ، آن زن گفت رفتم ، و در راه محکم کوبیدم ، فردای آنروز همسر دومرگان آنجا رفته ، و در باره همان لحظه تحقیقاتی کرده بود ، گفته بودند در آن وقت در بشدت کوبیده شد وقتی کسی نبود ، گفتیم ختماً کار بچه های شرور است . (۱)

اینها نمونه های مختصری از عجایب خواب مصنوعی است که علاوه بر آزمایشهای این دانشندان هر گس کم و بیش یادیده باشند است .

حالا از آقایان منادها میپرسیم : آیا اینهمه کارهای مجیر العقول از کیست ؟

آیا سلولهای مغز میتوانند اینگونه کارها انجام دهند ؟

آیا سلولها میتوانند بدون کمک چشم چیز را ببینند و بخوانند ؟

آیا چاره ای جز اعتراف بنیروی مرموز ماوراء جسم داریم ؟

و اگر آنها بگویند ما هنوز این حرفها را باور نداریم باز میپرسیم مگر در هر موضوع علمی

چه اندازه آزمایش و گواه لازم داریم ؟

آیا آنهمه انجمنهای آزمایشی روحی لندن ؛ نیویورک ، فرانسه ، آلمان ، ایتالیا ،

روسیه و و برای اثبات این موضوع کافی نیست ؟

آیا گواهی امثال کامیل فلا ماریون ، شارکو ، بیو ، دارسونوال ، بوشار ، میزیر ،

بوسون و ده هادانشمند دیگر نمیتواند این موضوع را اثبات کند ؟

ما معتقدیم که موجودات را منحصر بپالم ماده دانستن (مخصوصاً بعد از این همه آزمایشها)

مانند کار جغرافی دانان قدیم است که وقتی در نقشه جغرافیا **بجبل الطارق** میرسیدند مینوشتند

اینجا آخردنیاست . (۲) (این بحث ادامه دارد)

(۱) دائرة المعارف قرن بیستم ماده نوم و اسرار مرگ فلا ماریون .

(۲) علی اطلال المذهب المادی ج ۲ ص ۱۶